

بحشی درباره

محبت و روحانیت

اثر:

سید محمد حسین طباطبائی، سید ابوالفضل موسوی مجتهد زنجانی، مرتضی مطهری
مدتی بازرگان، سید محمد حسینی بهشتی، سید محمود طالقانی، سید مرتضی تبریزی

انتشارات صدرا

عنوان و نام پدیدآور : بحثی درباره مرجعیت و روحانیت / مقالاتی از سید محمدحسین طباطبائی... [و دیگران].
 مشخصات نشر : تهران : صدرا، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.
 شابک : 978-600-7747-20-9 : ۱۷۰۰۰ تومان
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : مقالاتی از سید محمدحسین طباطبائی، سیدابوالفضل موسوی مجتهد زنجان، مرتضی مطهری، مهدی بازرگان، سیدمحمد حسینی بهشتی، سیدمحمود طالقانی، سیدمرتضی جزائری.
 موضوع : اجتهاد و تقلید — مقاله‌ها و خطابه‌ها
 موضوع : مرجعیت — مقاله‌ها و خطابه‌ها
 موضوع : روحانیت — ایران — مقاله‌ها و خطابه‌ها
 موضوع : طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰.
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ب ۳ ۱۶۷ BP
 بندی دیویی : ۲۹۷/۳۱
 شماره کتابشناختی : ۵۱۷۲۳۶۱



انتشارات صدرا

بحثی درباره مرجعیت و روحانیت

نویسندگان: سید محمدحسین طباطبائی، سید ابوالفضل موسوی مجتهد زنجان، مرتضی مطهری
 مهدی بازرگان، سیدمحمد حسینی بهشتی، سیدمحمود طالقانی، سیدمرتضی جزائری

چاپ: اول، اردیبهشت ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

بها: ۱۷۰۰۰ تومان

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ فجر (۱۰۰۱۳۹۵). تلف: ۳۳۱ ۰۰۹۶

ناشر: انتشارات صدرا (با کسب اجازه از شورای نظارت بر نشر آثار اسلامی)

کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص ناشر است.

* تهران: شعبه ۱: خیابان ناصرخسر، مقابل دارالفنون، کوچه دکتر مسعود، تلفن: ۳۳۹۱۵۱۳۰، دورنگار: ۳۳۱۱۹۷۹۶

شعبه ۲: خیابان انقلاب بین خیابانهای دانشگاه و ابوریحان، پلاک ۱۱۶۴ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۸۶ و ۶۶۴۶۱۶۴۵

شعبه ۳: خیابان پاسداران، خیابان گل‌لبی، خیابان ناطق نوری (زمرد)، بوستان کتاب تلفن و دورنگار: ۷۷۸۵۷۴۸۹

* قم: خیابان ارم، تلفن: ۷۷۳۱۵۲۲، دورنگار: ۷۷۴۷۳۱۴

ISBN: 978-600-7747-20-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۴۷-۲۰-۹

فهرست اجمالی مطالب

۲۰	یادداشت ناشر / چاپ دوم
۲۵	پیشگفتار / سید محمد مهدی جعفری
۴۱	مقدمه
۵۱	اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه / سید محمد حسین طباطبایی
۶۳	شرایط و وظایف مرجع / سید ابوالفضل موسوی مجتهد زنجانى
۷۳	اجتهاد در اسلام / مرتضی مطهری
۱۲۱	ولایت و زعامت / سید محمد حسین طباطبایی
۱۵۵	انتظارات مردم از مراجع / مهدی بازرگان
۱۸۷	روحانیت در اسلام و در میان مسلمین / سید محمد حسینی بهشتی
۲۲۳	مشکل اساسی در سازمان روحانیت / مرتضی مطهری
۲۶۵	تمرکز و عدم تمرکز در مرجعیت و فتوا / سید محمود طالقانی
۲۷۹	تقلید اعلم یا شورای فتوا / سید مرتضی جزایری
۲۹۹	مزایا و خدمات مرحوم آیت الله بروجردی / مرتضی مطهری

سید محمد مهدی جعفری

در دهه سی از همین سده چهاردهم هجری شمسی، مرجعیت فراگیر آیت الله سید حسین بروجرودی تقریباً همه مسائل مذهبی جهان شیعه را تحت تأثیر خود قرار داده بود. بسیاری از مراجع شیعی در ایران و عراق و لبنان که در مسائل مذهبی و حتی اجتماعی به گونه دیگری می‌اندیشیدند، یا - برآت اظهار نظر نداشتند و یا برای حفظ وحدت در میان شیعیان سکوت اختیار کرده بودند.

با درگذشت آن مرجع بزرگ و متنفذ در فروردین ۱۳۴۰ هجری خورشیدی، یکباره از جهت مرجعیت چنان خلئی احساس شد که هیچ کس انتظار آن را نداشت. نه تنها مقلدان عوام در انتخاب مرجعی جانشین دچار سرگردانی و

بلا تکلیفی شدند، بلکه خواص خبره هم که همیشه در چنین مواردی مردم را به یک مجتهد اعلم ارجاع می دادند، خودشان در انتخاب اعلم و اصلح درماندند و پاسخ روشنی برای پرسش های مردم نداشتند. جهان تشیع دچار چنددستگی شد و هر منطقه ای به علت های مختلف محلی، نژادی و زبانی، به مجتهدی مراجعه می کردند.

در این میان، چند تن از افراد که خود را در برابر خدا و تاریخ و اجتماع، متعهد و مسئول احساس می کردند، با فکر میادند که پیش از تعیین شخص یا اشخاصی به عنوان مرجع، درباره خود موضوع مرجعیت و روحانیت به روشی علمی و تاریخی به بحث و بررسی بپردازند.

«این فکرها را بحث ها منتهی به مشورت ها و جلسه هایی شد که تشکیل دهندگان اصلی، بیشتر از افراد انجمن های اسلامی تهران و شهرستان های وسیعی وابستگان به دبیرخانه انجمن های اسلامی ایران^۱ بودند و چون غالب آنها به لحاظ مرجعیت و تقلید، در صف عوام و تقلید کنندگان قرار داشتند،

۱. در شهریورماه ۱۳۴۰ نخستین کنگره انجمن های اسلامی ایران در تهران برگزار شد. پس از برگزاری کنگره قرار شد دبیرخانه ثابتی برای تشکیل کنگره های سالانه انجمن های اسلامی در تهران تأسیس شود. این دبیرخانه تأسیس و دومین کنگره نیز در سال ۱۳۴۱ برگزار شد، لیکن به علت حوادث سال ۱۳۴۲ دبیرخانه تعطیل شد و از آن پس کنگره ای برگزار نشد.

از یک عده روحانیون فاضل روشندل روشنفکر که اوقات خود را به همدردی و همزبانی و راهنمایی طبقات جوان و تحصیل کرده نیز می‌گذرانند برای تعاطی افکار و ارشاد خود دعوت کردند.^۱

نویسنده مقاله اول کتاب، بحث مبسوطی دارد و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد:

سنگین اجتهاد و تقلید یکی از اساسی‌ترین و عمومی‌ترین ائیل حیاتی انسان می‌باشد و هر انسانی پای به دایره اجتماع می‌گذارد، از لحاظ رویه اجتهاد و تقلید ناگزیر است.^۲

در پایان این نتیجه‌گیری متذکر می‌شود:

«در خاتمه باید متذکر به تقلیدی که مورد بحث ماست غیر از تقلیدی است که به معنی تبعیت کرکورانیه و پیروی بی‌خردانه می‌باشد که اسلام با تمام قوا را در مبارزه می‌کند و قرآن کریم او را یکی از رذیل‌ترین و مایوس‌ترین صفات انسانی شمرده، آنانی را که از نیاکان و بزرگانشان و از مردمان هواپرست و هوسباز، بی‌چون و چرا و بدون دقتی صحیح تقلید و تبعیت می‌کنند و دنبال هر صدایی [به راه] می‌افتند جزء حیوانات می‌شمارد، زیرا مغز متفکر خود را از

۱. مقدمه همین کتاب، ص ۴۲.

۲. صفحه ۶۰ همین کتاب.

دست داده خاصیت انسانیت‌شان که فطرت استدلال و کنجکاوی بوده باشد به تاراج رفته است.^۱

پیش از پرداختن به محتوای کتاب بایسته است به چند نکته تاریخی توجه کرد:

نخست باید به جوّ سیاسی دهه سی و سال‌های نخست دهه چهل هجری (پنجاه و شصت میلادی) نظری بیندازیم. نخست ملی ایران برای ملی کردن نفت، نه تنها مورد تأیید و همکاری روحانیونی مانند آیت‌الله کاشانی قرار گرفت که برخی از ارجع مانند آیت‌الله صدر و آیت‌الله فیض و آیت‌الله سید محمد باقر خوانساری، به عنوان قطع‌ایادی اجانب از ثروت ملی کشور، به ملی شدن فتوا دادند و در تمام دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق فعالان سیاسی ملی و مذهبی با یکدیگر همکاری داشتند. حتی چند روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اعلامیه‌هایی به نام حزب توده در قم و مساجد و محافل مذهبی تهران علیه دین و روحانیت پخش شد و چنین وانمود کردند که ادامه حکومت ملی دکتر مصدق به نابودی دین و روحانیت می‌انجامد، زیرا با آزادی‌هایی که به همه گروه‌های سیاسی داده است به زودی کمونیست‌ها بر کشور مسلط می‌شوند و همان کاری را در ایران می‌کنند که در روسیه کردند. بعداً معلوم شد این اعلامیه‌ها به وسیله ایادی

دربار و مخالفان حکومت ملی، از جمله وابستگان به انگلستان داده شده تا همکاری و تأیید محافل مذهبی را از نهضت ملی قطع کنند و زمینه برای کودتای ۲۸ مرداد فراهم شود. چنین هم شد و برخی از روحانیون محافظه‌کار و محافل مذهبی سستی با نگرانی نسبت به آینده ایران، دست از همکاری و تأیید دولت ملی برداشتند و در برابر کودتا برخی خوشحال و هم‌ماه شدند و عده‌ای هم سکوت اختیار کردند.

بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد، در اوایل شهریور، یک شخصیت مذهبی آگاه به نام آیت‌الله آقا سید رضا زنجان‌ی افراد ملی و مذهبی را به تشکیل «نهضت مقاومت ملی» دعوت کرد که با استقبال هر دو جناح مواجه شد و شخصیت‌های مؤثری در تهران و بعضی از شهرستان‌ها به عضویت «نهضت مقاومت ملی» درآمدند. به فعالیت علیه کودتا و اقدامات ضد ملی و ضد مذهب حکومت کودتای دست‌نشانده آمریکا و انگلیس پرداختند.

در همان سال‌ها دگرگونی‌هایی در جهان رخ داد که گویای بیداری ملت‌های اسیر و گرفتار استبداد و استعمار بود. در مصر «افسران آزاد» رژیم سلطنتی را برانداختند و اعلام جمهوری کردند، مراکش و تونس با شرایطی از سلطه استعمار فرانسه خود را رها ساختند، الجزایریان نیز برای آزادی از استعمار فرانسه به انقلاب برخاستند، و در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین نیز جنبش‌های آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه

دیگری به راه افتاد. این جنبش‌ها بر اندیشه مسلمانان در ایران و دیگر کشورهای اسلامی تأثیر بسزایی گذاشت و در موضوع فلسفه سیاسی و انواع مدیریت‌ها و حکومت‌ها تحولی فکری ایجاد کرد. آیت‌الله طالقانی کتاب «تنبيه الامّة و تنزيه الملة در اساس و اصول مشروطیت» نوشته آیت‌الله نائینی را با مقدمه و توضیحات منتشر می‌کند؛ زیرا این کتاب درباره حکومت عرفی در زمان غیبت، به روش اصولی بحث می‌کند، و روحانیت و علمای دینی و متفکران اسلامی و به ویژه شیعی در آن رة زمانی نیاز به آگاه شدن از اصول و قواعد حکومت را نظر به سبب‌ها دارند تا در جهان در حال تحول و جوامع در حال تکلیف خود را با انواع حکومت‌ها و اشکال آنها روشن کنند.

از جمله پدیده‌های آن دهه از تاریخ ایران، تشکیل و تأسیس و یا تجدید حیات انجمن‌های اسلامی مهندسين، معلمين، دانشجویان، پزشکان دانش‌آموزان و مانند اینها در دانشگاه‌ها، مدارس و محافل مذهبی است. یکی از سؤال‌های اساسی و اولی این انجمن‌ها و نیز بسیاری از متدینین بیرون از این انجمن‌ها، درباره نسبت میان اسلام و حکومت است. روشنفکران و نواندیشان دینی پاسخی برای این سؤال دارند. لیکن از روحانیت و مراجع هم انتظار دارند که پاسخ روشنی به این سؤال بدهند؛ چون از مراجع رسمی و اصلی پاسخی دریافت نمی‌کنند، به این اندیشه دچار می‌شوند که اصولاً در

شرایط حاضر، روحانیت شیعه و مرجعیت رسمی چه نقشی در زندگی مردم داشته است و در شرایط دنیای سریعاً متحول امروز چه نقشی دارد؟ این پرسش فراگیر شد و پاسخ روشنی به آن داده نمی‌شد. ناگهان جهان تشیع در فروردین ۱۳۴۰ با درگذشت مرجع فراگیر و بسیار متنفذ جهان تشیع آیت‌الله سید حسین بروجردی روبه‌رو شد. این حادثه همگان را بدین اندیشه فرو برد که پس از ایشان مرجعیت به چه کسی منتقل می‌شود. لیکن گروهی از دانشمندان و اندیشوران دغدغه فکری برتر و مهم‌تری داشتند و آن دغدغه آن بود که اصولاً نقش روحانیت در مسیحت، خصوصاً شیعه، در تاریخ چه بوده است و در حال حاضر چیست؟

شرایط و مقتضیات فرهنگی

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، جهان به دو بلوک شرق مرکب از کشورهای کمونیستی به سرمداری شوروی و کشورهای طرفدار آنان، و بلوک غرب مرکب از ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی و بعداً ژاپن به سرمداری ایالات متحده تقسیم شد و جنگ سرد میان این دو بلوک جانشین جنگ گرم شد و جهان را وادار کردند که به پیمان‌های نظامی دو طرف بپیوندند. ایالات متحده گام بلندتری برداشت و برای ایجاد کمربند امنیتی در اطراف کشورهای بلوک شرق و جلوگیری از نفوذ کمونیسم به کشورهای طرفدار غرب، به دو

اقدام مهم دست زد: نخست پیمان نظامی «سیتو» در شرق [که] آسیا و از جمله پاکستان را به وسیله پاکستان، عراق، ایران و ترکیه به عنوان «پیمان بغداد» (و پس از انقلاب عراق در سال ۱۹۵۸ و بیرون رفتن عراق از این پیمان، به نام «سنتو») با پیمان ناتو - که کشورهای اروپایی غیر کمونیست و از جمله ترکیه عضو آن بودند - متصل کرد؛ دو دیگر، به توصیهٔ تئوریسین‌های سرمایه‌داران غرب، از جمله ژژوئه - رکاسترو مؤلف کتاب «جغرافیای گرسنگی» به منظور - ملوگی، از نفوذ فرهنگی و اقتصادی کمونیسم به کشورهای جهان سو، و پیشگیری از یک انقلاب دهقانی، برنامهٔ اصلاحات روستا را در روستاهای کشورهای جهان سوم به راه انداخت. صرف نظر از هدف این برنامه، چگونگی اجرای آن و نتایج مثبت یا منهای آثار فرهنگی و اقتصادی این برنامه بر مردم این کشور، اعم از پیر و جوان، روشنفکر و عامی و نواندیشان دینی و دیدار از سنت، بسیار برجسته و آشکار بود.

در سودمند بودن برنامهٔ اصلاحات روستایی و سایر اصلاحاتی که در بعضی از کشورها مانند ایران به آن ضمیمه شد، کمتر کسی شک داشت؛ بیشتر اختلافات و منازعات بر سر روش اجرا و شرایط اجتماعی کشور و سوء استفادهٔ هیئت حاکمه بود. اما همین اختلافات و مناقشه‌ها به پدید آمدن فرهنگ جدیدی انجامید. اگرچه در غرب، مدرنیسم در حال

تحول به پست مدرنیسم بود ولی امواج پسین مدرنیسم بر شرق و از جمله ایران، پی در پی می‌تاخت و فرهنگ و هنر ویژه آن دوران را می‌ساخت و می‌گسترانید.

این موج نو لزوم تحول در اندیشه دینی و نیاز به تفکری جدید در میان نواندیشان دینی را دامن زد. یکی از نتایج این نواندیشی، ادبیات مذهبی به شکل تألیف و ترجمه کتاب‌هایی عملاً پیرامون مسائل اجتماعی و سیاسی بود. ادبیات و فرهنگ ما، کیستی نیز در میان روشنفکران غیردینی رواج گسترده‌ای یافت که نیاز به پاسخ و واکنش نواندیشان دینی داشت. شبهه‌های بسیاری از جانب مسلمانان و غیرمسلمانان در مورد «مدیریت دینی جامعه»، به ویژه در دانشگاه‌ها و محافل علمی و روشنفکران مطرح می‌شد. دانشجویان مسلمان برای دریافت پاسخ این شبهات، به نواندیشان روحانی و غیرروحانی مراجعه می‌کردند و کم‌تر به پاسخ قانع‌کننده‌ای دست می‌یافتند.

به هر حال جوامع اسلامی احساس می‌کردند که نیاز به یک تحول همه‌جانبه و ژرف سیاسی و فرهنگی داشته‌اند و دارند.

جهان سرمایه‌داری، تنها کمونیسم جهانی را رقیب نیرومند خود می‌دانست و تلاش می‌کرد تا با ایجاد و تقویت بورژوازی وابسته، تأثیر آن را در کشورهای جهان سوم خنثی یا کم کند. کمونیسم نیز تنها سرمایه‌داری و بورژوازی وابسته

- و حتی ملی - را دشمن خود می‌دانست و می‌کوشید تا در همه زمینه‌ها آن را مغلوب کند. در این میان، جوانان نواندیش مسلمان که چشم و گوششان باز شده بود و در برابر امواج خروشان و پرهیاهوی این دو رقیب، سرگردان ایستاده بودند، با فشار و بی‌صبری به هر طرف روی آورده خواستار تعیین تکلیف خود از اسلام بودند.

این کتاب زاینده چنین جریان‌ها و رخدادهای درنگ‌شناس و پرسروصدای آن روزهاست.

نویسندگان این کتاب، پیش از تألیف آن، پاسخ‌های پراکنده‌ای بر برخی از شبهه‌ها و پرسش‌ها می‌دادند، لیکن مجموعه از حرا وادش و ان همه مهم‌تر درگذشت آیت‌الله بروجردی، مرجع متذلل و فراگیر جهان تشیع، نویسندگان متعهد و مسئول را بر آن داشت که سمیناری برگزار کنند و به سؤال مهم آن روز، یعنی «تألیف و عملکرد مرجعیت و روحانیت، پاسخ دهند. «ولی چوز تعداد و ترتیب سمینار مستلزم صرف وقت زیاد از طرف بانیان و شرکت‌کنندگان بود و مخارج و مشکلاتی را ایجاب می‌نمود، ترجیحاً از آقایان مطالعات و نظریات خود را به صورت مقاله درآورده، قبلاً در آن جمع قرائت نمایند تا سایرین نیز بشنوند و اگر نظری دارند بگویند. سپس مجموعه به شکل نشریه‌ای چاپ شود»^۱.

مجموعه مقالات در سال ۱۳۴۱ به نام «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» به وسیله شرکت انتشار منتشر شد. با انتشار این کتاب، موجی از مخالفت‌ها و موافقت‌ها با نظر و اندیشه نویسندگان پدید آمد. روحانیت سنتی با پیشنهاد برخی از نویسندگان برای تجدیدنظر در سازمان روحانیت و ایجاد نظامی نوین در حوزه علمیه به شدت مخالفت کرد و این تحول را برای نظام روحانیت و حوزه علمیه زیان‌بخش تلقی کرد. نزدیک به ده کتاب را تحریم کند. از طرف دیگر، محافل روشنفکر - یعنی در کتاب استقبال کردند و این مقالات و طرز تفکر نویسندگان را تحول‌آفرین و مبارک در مورد روحانیت و حوزه علمیه و فتوا و اندیشیدن درباره مسائل مذهبی دانستند. خاورشناسانی که درباره اسلام و خصوص تشیع تحقیق می‌کردند نیز کتاب را بسیار مهم دیدند و این کار را گامی مؤثر در ایجاد تحول اساسی در مسئله هزارساله روحانیت و مرجعیت تشیع دانستند. حامد الگار در مقاله «اصلاح» در «دائرة المعارف اسلام» در ضمن معرفی کتاب می‌نویسد:

«این کتاب، اثر هفت نویسنده مرکب از علمای مذهبی و نویسندگان غیرمذهبی، شاید از هنگام انتشار کتاب [«تنبيه الامة و تنزيه الملة در اساس و اصول مشروطيت» تأليف

علامه] نائینی درباره حکومت مشروطه تاکنون، مؤثرترین و پرمایه‌ترین نوشته مذهبی باشد که به فارسی نوشته شده است.^۱ و خلاصه مقالات کتاب به وسیله میس لمیتون تحت عنوان «تجدید ساختمان موقعیت مرجع تقلید و نهاد مذهبی» به انگلیسی ترجمه و در شماره ۲۰ "Studia Islamica" سال ۱۹۶۶ صص ۱۳۵-۱۱۵ منتشر شد.^۲ انجمن کتاب نیز آن را به عنوان کتاب برگزیده سال اعلام کرد.^۳

از آنجا که فهرست تفصیلی مقالات در آخر کتاب چاپ شده است،^۴ این مقدمه متعرض مطالب نمی‌شویم؛ تنها بدین نکته باید اشاره کرد که بسیاری از تعاریف، اطلاعات، نقدها و پیشنهادهاى نویسندگان محترم از سازمان روحانیت در روزگاری اظهارشده که روحانیت برکنار از قدرت حاکمیت و مدیریت و امکانات اقتصادی و دولتی و حاکمیتی بوده است. بجاست آن انتظارات، درخواست‌ها و پیشنهادها را بار دیگر با دقت مطالعه و با شرایط چهل سال اخیر تطبیق دهیم.

۱. نهضت بیدارگری در جهان اسلام، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ص ۲۳.

امید است به این کتاب و مجموعه مقالاتش به عنوان
درسی آموزنده نه تنها درباره مرجعیت و روحانیت، بلکه در
مورد همه مسائل اجتماعی و فرهنگی بنگریم و نتایجی عملی
و مؤثر برای حال و آینده جامعه خود بگیریم.

سید محمدمهدی جعفری

پیستم اسفندماه ۱۳۹۶

www.ketab.ir